

تلاش مزبوحانه فراکسیون زنان مجلس برای نجات جمهوری اسلامی

اخیرا فراکسیون زنان مجلس در دیداری با علمای دینی قم درمورد «اصلاح قوانین» به گفتگو نشسته‌اند. کولایی نماینده مردم تهران که خود در این دیدارها حضور داشته، ضمن رضایت از این دیدارها می‌گوید ما تصمیم داریم با تمام «مراجع» صحبت کنیم. کولایی می‌گوید این خانمها در فکر «راهکارهای مناسب برای «اصلاح قوانین» هستند و می‌گویند که ما از علمای دینی درخواست کمک کردیم و «مسئله» سنگسار، «مسئله» کنوانسیون حقوق زن و «بحث» دیه زن به مرد را در قانون مطرح نمودیم.

کولایی می‌گوید انتظارات و خواستهای زنان با توجه به افزایش آگاهی آنها گسترش پیدا می‌کند. ببینید چه کسی دم از خواست زنان و رشد آگاهی آنان می‌زند. داشتن آگاهی و واقف بودن به حقوق خود و یاد دادن به دیگران در ایران جرم سنگین است و هزاران نفر به خاطر آن اعدام شده‌اند. بخاطر شعار آزادی و برابری هزاران زن و مرد را به نام کمونیست و مفسد به جوخه‌های اعدام فرستادند. مگر همین رژیم‌ها نبودند که به نام بدحجابی و غرب‌زدگی کلورکلور زنان را روانه زندان کردند؟ همین چند هفته پیش در اصفهان گله زنان نقاب پوش را به جان زنان مدرن جامعه انداختند که هنوز هم در خیابانها به دنبال طعمه پرسه می‌زنند. در تمام این ۲۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی مردم همیشه از آنها جلوتر بودند. آنها قانون ازدواج ۹ ساله‌ها را گذاشتید، چند درصد جامعه و پدر و مادرهای با وجدان به فراخوان آنها کودکانشان را به خانه شوهر فرستادند؟ تازه بارها به خاطر این جنایاتشان مورد طعن هم قرار گرفتند. زنان را به زور در چادر پوشاندند، اما زنان با وجود همه خطرات در ۸ مارسها حجابها را سوزاندند و آن را زیر پا لگدمال کردند. مردم همیشه چندین قدم جلوتر بودند. حال با چه رویی این خانمها مدعی‌اند که به عنوان نماینده زنان با زن‌ستیزان عماله بسر به واسطه‌گی و گدایی حقوق زنان می‌پردازند.

در میدانهای نمایش سنگسار، درکنار جوخه‌های اعدام، در دالانهای دادگاههایی که زنانی برای گرفتن حق طلاق یا با صورتهای باد کرده و کتک خورده و یا بخاطر «بدحجابی» منتظر حکم دادگاه هستند، هنگامی که به روی زنان اسید پاشیده می‌شود، هنگامی که گله‌های سیاه حزباله دنبال زنان راه افتاده و بی‌حرمتی می‌کنند، هنگامی که نیروهای انتظامی به سالنهای آرایش زنان حمله‌ور می‌شوند، در تمامی این صحنه‌ها و این جنایات فراکسیون و کل گله جمهوری اسلامی شریک جرم هستند. هر بار دیدن تصاویر زنان محجبه فراکسیون در تلویزیون بدون شک تاریخ‌نگین جمهوری اسلامی را برای زنان مبارز ایران تداعی می‌کند. فقر و فحشا و بیکاری، کودکان خیابانی، خودکشی و اعتیاد، جنون و خشونت و بربریت هرروزه علیه مردم ارمغان ۲۳ ساله فراکسیون زنان، علمای قم و جناحهای تعدیل شده از راست و چپ جمهوری اسلامی بوده است. آیا شکی بر این هست؟

جالب اینجاست این خانمها می‌خواهند با تز دیالوگ با علما بر سر سنگسار بحث کنند. سنگسار و آپارتاید جنسی دو موضوع هویتی جمهوری اسلامیست. آیا این خانمها بر سر لغو آن می‌خواستند با علمای دینی قم «بحث» کنند؟ گویا می‌خواهند قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر مبنای شریعت اسلامی نوشته شده سنگسار و آپارتاید جنسی را لغو کند؟ اگر اصلاح شود یعنی به نفع زنان چه اتفاقی روی می‌دهد؟ آپارتاید جنسی، حجاب، سنگسار، بی‌حقوقی زنان را از اسلام بیرون بکشید ببینید چه چیزی ته آن می‌ماند؟ اساس هویت جمهوری اسلامی و قوانینش زن‌ستیز است. آیا تعدیل و اصلاح آن امروز برای جمهوری اسلامی معنای دیگری جز مرگ دارد؟ براستی این فراکسیون از دنیا بی‌خبر دنبال چه می‌گردد؟

اما در خصوص سفر این خانمها نزد علما باید گفت که سالها قبل هم این ملاقاتها و دیدارها را داشته‌اند. زمانی برای اجرای احکام سنگسار و ترساندن زنان و امروز برای نجات جمهوری اسلامی. واقعیت این است که این همه سال از علمای دینی خود برای نقششان در سرکوب آزادیها و آپارتاید جنسی زنان بهره جسته، خط گرفته و آموزش دیده‌اند. نسخه‌ها و داروهای گندیده این خانمها چیزی جز آپارتاید جنسی و بی‌حرمتی به زنان در بر ندارد و جایی در میان زنان و جنبششان ندارد. تلاش این خانمها بیپوده است!

منصور حکمت می‌گوید انقلاب آتی ایران به احتمال زیاد یک انقلاب زنانه است. جهنم ۲۳ ساله جمهوری اسلامی برای زنان ضرورت حضور آنان را در خط اول جبهه‌های نبرد و روزهای به سرانجام رساندن انقلاب مسجل نموده است. این نبرد سالهاست شروع شده است. اگر نبود که لیست صدها هزارنفره اعدامها، ۸ مارسها و حجاب سوزانی‌ها، تظاهرات هر روزه و اعتراضات و نافرمانی لحظه به لحظه مردم، جوانان، کارگران و بویژه زنان وجود نمی‌داشت. امروزه زنان در ایران ماگزیمال آزادیها و برابری زن و مرد را می‌خواهند. سکولاریسم و جهانشمولی حقوق زن با همه دستاوردهای بین‌المللی‌اش خواست زنان ایران هم هست. خواست سوسیالیستی و برابری طلبانه‌ای که مهر خود را در جنبش زنان ایران با حضور حزب کمونیست کارگری ایران و سالها مبارزه برای آن زده به خواست زنان ایران تبدیل گردیده است.

مردم تصمیم خود را گرفته‌اند که این رژیم اصلاح شدنی نیست، رفتنیست! زنان به اراجیف فراکسیون زنان مجلس، این رژیم‌های فسیل شده واقعی نمی‌نهند. باور کردن این نکته مشکل نیست، به اعتراضات هر روزه و بویژه جنبش دانشجویی دور اخیر نگاه کنید تا واقعیت آشکار «نه» گفتن به کلیت این رژیم را باور کنید. در انقلاب آتی که از همین حالا مهر سکولاریسم، مدرنیسم، برابری و آزادی بدون قید و شرط برخوردار جایی برای جریان‌ها و گروه‌های رنگ‌وارنگ اسلامی در میان مردم نمی‌گذارد. این خانمها با علمایشان، با قوانین اسلامی ۱۴۰۰ ساله و یا تلاش دوم خردادیهای امروزیشان، تا زندانها و دستگاه سرکوبشان همه با هم بدست مردم به گور سپرده خواهند شد. حتی اگر تعداد کمی از مردم ناآگاه و یا بخشهایی از گروه‌های ناسیونالیستی و راست اپوزسیون تلاشی برای نجات نوع‌های اصلاح‌طلب و «آدم‌شده» تر این رژیم بکنند مگر

همینها می‌توانند از زیر خشم ۵۵ درصد زنان جامعه، ۸۰ درصد نیروی جوان جامعه و خیل میلیونی کارگران نجات پیدا کنند؟ جوانان، زنان و کارگران نیروی اصلی سرنگونی در انقلاب آتی هستند. تصمیم قطعی این میلیونها انسان است که سرنوشت آینده سیاسی ایران را رقم می‌زند.

یک روزی خیابانها مملو از زنان به خشم آمده، در حال سوزاندن چادرها و سنبلهای اسلامی به میدان می‌رسد. این خانمهای «فراکسیون» در حال سفر نزد علمای قم در خیابان با موج زنان برمی‌خورند. تصور کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ برآستی که در آن روز سفر قمشان به کجا ختم می‌شود؟ آنروز دیر نیست، بروزات شروع و اوجگیری این خروش و انقلاب را ما هرروزه می‌بینیم، جنبش دانشجویی، اعتراضات کارگری، اعتراضات مردمی و بالاخره طوفان خشم زنان شروع شده است. ناقوس مرگ جمهوری اسلامی زده شده و می‌رود که رویا و آرزوی مردان و زنان تشنه آزادی و برابری و رسیدن به یک دنیای بهتر نزدیک گردد. پیروزی از آن ماست!